

چه کسانی نقشه بن بست انتخابات را کشیده بودند؟



صفحه ۶

چرا پروسه تفتیش برای چندمین بار متوقف شد؟



ناجیه نوری

تیم اصلاحات و همگرایی می‌گوید که کمیسیون انتخابات و دفتر سازمان ملل متحد کارشویه ابطال آرا را یک‌جانبه پاس کرده و تا هنگامی که آنها در این کارشویه درج نشود، آنان وارد پروسه تفتیش آرا نخواهند شد.

ستاد اصلاحات و همگرایی برخی پیشنهادها را به‌منظور جداسازی آرای پاک از ناپاک به سازمان ملل متحد ارایه کرده که با مخالفت تیم تحول و تداوم روبرو شده است.

این پیشنهادها عبارت اند از:

۱- در صورتی که لیست رای دهنده‌گان موجود نباشد و یا سفید باشد و یا ده عدد شماره کارت رای‌دهی در لیست مسلسل باشد و در عین حال ۹۰٪ آرا به نفع یک نامزد استفاده...

ادامه صفحه ۶

سخنگوی وزارت مالیه:

۲۳ درصد در آمد کشور کاهش یافته است

هارون مجیدی

وزارت مالیه می‌گوید که به دلیل تنش‌های انتخاباتی، درآمد اقتصادی کشور ۲۳ درصد کاهش یافته است. مسوولان این وزارت می‌گویند که دولت افغانستان در بودجه عادی با مشکلی مواجه نیست و به‌گونه عادی توانایی پرداخت معاش ماموران دولتی را تا اخیر سال ۲۰۱۵ دارد.

اما عبدالقادر جیلانی سخنگوی وزارت مالیه در مصاحبه با روزنامه ماندگار گفت که به درازا کشیده‌شدن روند انتخابات سبب گردیده تا درآمد اقتصادی دولت افغانستان ۲۳ درصد کاهش یابد.

پیشتر مقام‌ها در وزارت مالیه گفته بودند که اگر روند انتخابات با همین شیوه ادامه پیدا کند، کمک‌های

خارجی قطع خواهد شد و آنان توان پرداخت معاشات مامورین دولت را نخواهند داشت. سخنگوی وزارت مالیه می‌گوید: در این اواخر ما با یک سلسله چالش‌ها و مشکلات مالی مواجه هستیم. ما در بخش بودجه توسعه‌یی با کسر بودجه ۲۱ میلیارد افغانی روبرو هستیم.

آقای جیلانی می‌افزاید: «ما در بودجه عادی از جمله در بخش خریداری تجهیزات (کود ۲۵)، در خریداری لوازم دفتر (کود ۲۲) صرفه‌جویی کرده‌ایم، تا بتوانیم به کود ۲۱ که معاشات مامورین است رسیده‌گی کنیم، تا به مشکلی روبرو نشویم که ما در این برنامه‌ریزی خود موفق بوده‌ایم و تا اخیر سال ۲۰۱۵ ما مشکلی نداریم و معاشات مامورین مانند گذشته برای‌شان داده می‌شود.»



آقای جیلانی این اظهارات را که در برخی وزارت خانه‌ها معاشات مامورین در زمان معین داده نمی‌شود، رد کرد و گفت: ما از همه واحدهای بودیجه‌یی وزارت خانه‌ها خواستار شدیم...

ادامه صفحه ۶

جنرال کمپبل:

گزارش‌ها درباره پیشروی طالبان اغراق آمیز است



فرمانده آینده نیروهای ضربت ناتو در افغانستان گفت، گزارش‌ها مبنی بر اینکه هم‌زمان با کاهش تعداد نیروهای امریکایی و افزایش وظایف جنگی سربازان افغانی، شبه‌نظامیان طالبان پیشروی کرده و ریشه دوانده‌اند، واقعیت ندارند و تنها گزارش‌هایی تبلیغاتی هستند که در آن‌ها اغراق شده است.

به گزارش شبکه خبری ای.بی.سی، جنرال جان کمپبل که قرار است فرماندهی نیروهای ضربت ناتو در افغانستان را به عهده بگیرد، در پنتاگون به خبرنگاران گفت: شبه‌نظامیان طالبان به جای مبارزه و دریافت اعتبار از پیروزی‌هایی که نصیب آن‌ها نشده، درباره بازی بهتری صحبت می‌کنند.

ادامه صفحه ۶

نماینده سازمان ملل: توقف در روند شمارش آرا به خواست دفتر سازمان ملل بوده است



نماینده سازمان ملل (یوناما) در امور افغانستان اعلام کرد که روند شمارش آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور به خواست معاونت دفتر سازمان ملل متوقف شده است.

یان کویش نماینده سازمان ملل (یوناما) در امور افغانستان روز گذشته در نشستی خبری گفت: روند شمارش آرای دور دوم...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



آیا انتخابات به دردی افغانستان نمی‌خورد؟

سارتر و فلسفه فرانسوی



هنر و امر اجتماعی (مروری بر نقد مارکسیستی از هنر)

محورهای مذاکرات نشست سران ناتو



سخن ماندگار

کارشيوه ابطال آرا برابر

با استندهای بین‌المللی عیار شود

این بار پنجم است که روند تفتیش آرا به تعویق انداخته می‌شود و احتمال دارد که این تعویق، زمان طولانی‌تری را در بر گیرد.

پس از روز چهارم عید قرار بود که روند تفتیش آرا آغاز شود، اما مشکلاتی که در طرح سازمان ملل یا در کارشيوه باطل کردن آرا به وجود آمد، تیم اصلاحات و همگرایی را به خشم آورده است. به نظر می‌رسد که روند تفتیش آرا با چنین وضعیتی، مشکلات دیگری را نیز به دنبال آورد. زیرا تا کنون هیچ نهادی برای حل مشکل انتخابات تلاش جدی نکرده، بلکه هر نهادی سبب ایجاد مشکلی تازه شده است و همه در تلاش اخلاص پروسه تفتیش آرا و در نهایت بحرانی ساختن وضعیت‌اند که متأسفانه حالا دفتر سازمان ملل در کابل نیز همین مسیر را می‌پیماید.

دخالت مستقیم و غیرمستقیم رییس‌جمهور در تفتیش آرا نیز پنهان نمانده است و بدون شک این دخالت‌ها بالاخره کار خود را می‌کند. زیرا در صورتی که یکی از تیم‌های موجود، از قبولی نتایج بازشماری آرای دور دوم انتخابات سر باز زند، منفعه آقای کرزی بار دیگر رونما می‌گردد.

از طرف دیگر تا جایی که روشن است، دلیل توقف‌های ممتد و زمان‌گیر، اعتراض‌های بی‌مورد و بامورد تیم تحول و تداوم بوده است. چندان‌که ناظران این تیم، هر بار پس از باطل شدن صندوق‌های مربوط به اشرف‌غنی احمدزی، معترض می‌شدند و روند شمارش آرا را مختل می‌ساختند.

اعضای کمیسیون انتخابات نیز در ایجاد مشکل در روند تفتیش و کُندسازی آن دست بلندی داشته و دارند. اما حالا تعویق تفتیش آرا، ریشه در اختلاف تیم اصلاحات و همگرایی با کارشيوه‌یی دارد که از جانب دفتر سازمان ملل ارایه شده و در آن موارد مورد نظر این تیم لحاظ نشده است. به نظر می‌رسد که این موقف‌گیری برحق است و باید همه تلاش‌ها برای حفاظت از آرای مردم صورت گیرد.

جدا از این، شرایط موجود در کمیسیون انتخابات طوری‌ست که هنوز در شفافیت روند بازشماری آرا، جای سوال وجود دارد. هنوز بخش اعظمی از کارکنان کمیسیون انتخابات، سعی در کتمان تقلب گسترده ۲۴ جوزا دارند. گفته می‌شود نزدیک به هشتاد و پنج درصد کارمندان این کمیسیون، از کسانی هستند که مستقیماً به واسطه ضیاء‌الحق امرخیل انتخاب شده‌اند و تا کنون به کارشان ادامه می‌دهند. بدیهی‌ست که چنین افرادی هیچ‌گاه به شفاف‌سازی پروسه کمکی نمی‌کنند. به همین دلیل است که اکثراً باطل شدن آرای تقلبی با چانه‌زنی این کارکنان و نیز ناظران تیم تحول و تداوم روبه‌رو می‌شود.

در کنار این‌همه، توافقات سیاسی صورت‌گرفته میان دو تیم نیز با هزار اگر و مگر و ابهام و پا پس کشیدن‌ها مواجه است و این خود نشان می‌دهد که روند تفتیش آرا اگر به گونه سیاسی پیش رود و صادقانه نباشد، بحران دیگری در کشور رونما می‌شود. اما اگر پیشنهادها تیم اصلاحات و همگرایی در کارشيوه ابطال آرا گنجاینده شود، شکی نیست که تیم تحول تداوم که خود را زیان‌مند تفتیش آرا می‌داند، از صحنه خارج خواهد شد و تعویق دیگری را شاهد خواهیم بود. زیرا از اظهارات تیم تحول و تداوم، تشنه و پراکنده‌گی‌یی که به یقین ناشی از احتمال ابطال سرسام‌آور آرای تقلبی است، پیداست. اما شایسته است که ناظران بین‌المللی در کمیسیون انتخابات، به کلی دست کارمندان را که پیوسته در کتمان تقلب گسترده می‌کوشند، از کار قطع کنند و هم‌چنان تیم تحول و تداوم بر تعهدی که در حضور جان کری و رهبر تیم اصلاحات و هم‌گرایی به مردم افغانستان داده بود، پایبند بماند و به هیچ صورت، برای پوشاندن تقلب افتضاح‌آور انتخابات دور دوم تلاش نکند.

سخن آخر این‌که یگانه‌راه برای ادامه روند بازشماری و تفتیش آرا این است که سازمان ملل کارشيوه‌یی را ابداع کند که برابر با استندهای بین‌المللی باشد و بتواند تقلبات سازمان‌یافته را شناسایی و بیرون اندازد. در این صورت هر تیمی که از آن کارشيوه ضرر می‌بیند، ببیند. اما اگر کارشيوه ابطال به شکل فرمایشی و با در نظر داشت برخی باید‌ها تنظیم شود، مسلماً مورد توجه طرف دیگر قرار نمی‌گیرد و این‌گونه انتخابات به سریالی دنباله‌دار تبدیل می‌شود.

آیا انتخابات به درد افغانستان نمی‌خورد؟

جا افتادن انتخابات و سایر مظاهر دموکراسی در کشورهای جهان سوم، همواره با مشکلات عدیده‌یی توأم بوده است. نه این‌که ظرفیت ایجاد چنین روندی در مردمان جهان‌سومی وجود نداشته؛ بل به لحاظ تاریخی، این ارزش در جاهای دیگری به قوام رسیده و بالنده شده که تا نهادینه شدن آن در مکان‌های غیر آن، زمان و تلاش زیادی می‌طلبد و مبارزه جدی با چالش‌هایی که فراراه رشد و بالنده‌گی دموکراسی قرار دارد!

تجربه نشان داده وقتی که دموکراسی و انتخابات به حیث ارزش پذیرفته شد و جامعه هم آماده‌گی خود را برای تطبیق آن نشان داد؛ همه تصمیم‌ها و نیروها به همان‌سو متمرکز می‌شود و در نهایت، جامعه به این مهم نایل می‌آید. اکثر کشورهای جهان سوم تجربه این‌چنینی داشته‌اند.

اما در افغانستان سوگ‌مندانه این قضیه صدق نمی‌کند. بازهم نه به دلیل این‌که مردم و خاک این کشور عقیم است، بل به این معنا که حکومت‌ها همواره و بی‌دریغ خود چالشی بزرگ بوده‌اند و هرگز نیتی در قوام و دوام دموکراسی در این کشور نداشته‌اند.

تازه‌ترین مثال، انتخابات ریاست‌جمهوری امسال است که دو بار برگزار شد و هر دو بار بی‌نتیجه! در این انتخابات، به صورت مستند ثابت شد که مقامات حکومت به شمول آقای کرزی در تقلب گسترده و افتضاح‌آمیز انتخابات دست داشتند. والیان، وزیران، مشاوران و... همه بر مبنای منفعتهای شخصی و گروهی‌شان در بحران انتخابات دست یازیدند. آقای کرزی در ظاهر با آن که خود را بی‌غرض نشان داد، اما در خفا عملاً نیروهایی را بر کمیسیون انتخابات گماشت که کشور را به سوی بحران سوق دادند.

البته این تنها نمونه نیست. پیش از این در انتخابات‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز این افتضاح تکرار شده بود.

در عین حال و در تمام این سال‌ها، انتخابات‌هایی در کشورهای همسایه و منطقه برگزار شده که به مراتب وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها بدتر از افغانستان بوده؛ اما چون در آن کشورها نیت سازنده‌گی و رسیدن به یک ارزش (انتخابات) وجود داشته، کم‌کم چالش‌ها از میان برداشته شده‌اند.

پاکستان کشوری‌ست که در ده سال پسین شاهد یکی دو تا کودتا بوده است. این کشور با آن‌که روند نیم‌بند دموکراسی و انتخابات در یکی دو دهه پسین را تجربه کرده بود، اما کودتای پرویز مشرف آن را به خاک سیاه نشاند. ولی به زودی پس از مشرف، این روند دوباره از سر گرفته شد. طوری که در دو سه دور انتخابات پس از حکومت مشرف، مردم پاکستان موفقانه و بدون هیچ منازعه‌یی، قدرت را به منتخب مردم منتقل کردند. اوضاع سیاسی و امنیتی پاکستان اگر از افغانستان بدتر نباشد، بهتر هم نیست. اما با این‌همه چون نیت سازنده‌گی و دل سپردن به انتخابات وجود داشت، آن کشور موفق شد که آرام‌آرام پله‌های روند انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را ببیماید.

همسایه غربی ما، ایران نیز از این وضع بیرون نیست. با آن‌که انتخابات سال ۱۳۸۸ در ایران با چالش‌ها و سروصداهایی همراه بود؛ اما در دور دیگر که آقای روحانی به قدرت رسید، همه چیز به‌خوبی سپری شد و در نهایت مردم ایران و حکومت آن

منوچهر

تازه‌ترین مثال، انتخابات ریاست‌جمهوری امسال است که دو بار برگزار شد و هر دو بار بی‌نتیجه! در این انتخابات، به صورت مستند ثابت شد که مقامات حکومت به شمول آقای کرزی در تقلب گسترده و افتضاح‌آمیز انتخابات دست داشتند. والیان، وزیران، مشاوران و... همه بر مبنای منفعتهای شخصی و گروهی‌شان در بحران انتخابات دست یازیدند. آقای کرزی در ظاهر با آن که خود را بی‌غرض نشان داد، اما در خفا عملاً نیروهایی را بر کمیسیون انتخابات گماشت که کشور را به سوی بحران سوق دادند.



کشمیون انتخابات گماشت که کشور را به سوی بحران سوق دادند. البته این تنها نمونه نیست. پیش از این در انتخابات‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز این افتضاح تکرار شده بود. در عین حال و در تمام این سال‌ها، انتخابات‌هایی در کشورهای همسایه و منطقه برگزار شده که به مراتب وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها بدتر از افغانستان بوده؛ اما چون در آن کشورها نیت سازنده‌گی و رسیدن به یک ارزش (انتخابات) وجود داشته، کم‌کم چالش‌ها از میان برداشته شده‌اند. پاکستان کشوری‌ست که در ده سال پسین شاهد یکی دو تا کودتا بوده است. این کشور با آن‌که روند نیم‌بند دموکراسی و انتخابات در یکی دو دهه پسین را تجربه کرده بود، اما کودتای پرویز مشرف آن را به خاک سیاه نشاند. ولی به زودی پس از مشرف، این روند دوباره از سر گرفته شد. طوری که در دو سه دور انتخابات پس از حکومت مشرف، مردم پاکستان موفقانه و بدون هیچ منازعه‌یی، قدرت را به منتخب مردم منتقل کردند. اوضاع سیاسی و امنیتی پاکستان اگر از افغانستان بدتر نباشد، بهتر هم نیست. اما با این‌همه چون نیت سازنده‌گی و دل سپردن به انتخابات وجود داشت، آن کشور موفق شد که آرام‌آرام پله‌های روند انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را ببیماید.

همسایه غربی ما، ایران نیز از این وضع بیرون نیست. با آن‌که انتخابات سال ۱۳۸۸ در ایران با چالش‌ها و سروصداهایی همراه بود؛ اما در دور دیگر که آقای روحانی به قدرت رسید، همه چیز به‌خوبی سپری شد و در نهایت مردم ایران و حکومت آن کشورها دیده نشده که مثل افغانستان،

کشور از این آزمون پیروز به‌در آمدند. هند، خود یک کشور جهان‌سومی‌ست که با صدها چالش اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و... درگیر است، اما با همین نیت رسیدن به دموکراسی و تلاش مردم و دولت‌مردانش بود که به بزرگ‌ترین دموکراسی جهان دست یافت. در انتخابات امسال، نارندرا مودی، کسی که متهم به نوعی شوونیسم بود، با آرای مردم روی صحنه آمد. دیگر کسی نگفت که نخست وزیر هند چون به اقلیت مسلمان در هند احترام نگذاشته است، نباید به کرسی قدرت تکیه بزند و یا کسی نخواست تقلب کند تا او را از حقی که مستحقش بود، محروم سازد.

نمونه‌های دیگر را نیز می‌توان در انتخابات‌های کشورهای اندونزی، مالیزیا و... مشاهده کرد که توضیح دادش این مقال را به درازا می‌کشاند، اما به خوبی هویداست که در تمامی این کشورها تلاش بر آن بوده که ارزش‌های جهانی‌یی چون دموکراسی، انتخابات، حقوق بشر و... جایگاه بومی پیدا بکنند و مردمی که هرچند آن را از خود نمی‌دانند، به مزایای آن پی ببرند. در هیچ یک از این کشورها دیده نشده که مثل افغانستان،

رابت فیسک - ایسنا روزنامه ایندیندنت

واکنش‌های عجیب جهان به دو آمار مرگ



از سوی دیگر جدای از واژه مصونیت، واژه دیوانگی به ذهن می‌رسد. من در اینجا تمام عرب‌های فاسد و قاتلان داعش و تمام قاتلان دسته‌جمعی عراق و سوریه را فراموش می‌کنم. قطعاً بی‌تفاوتی آن‌ها به «فلسطین» انتظار می‌رفت. آن‌ها مدعی این نیستند که به ارزش‌های ما اهمیت می‌دهند. اما در این میان با اظهارات جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا که به ما گفته بود باید «به مسائل مهم» اسرائیل و فلسطین رسیدگی شود، چه کنیم؟ آیا او تمام سال گذشته و زمانی که مدعی بودند که ظرف ۱۲ ماه صلح خاورمیانه را برقرار می‌کند، کار عیبی انجام می‌داد؟ آیا او متوجه نشد که چرا فلسطینی‌ها در غزه هستند؟

واقعیت این است که صدها هزار تن در سراسر جهان و من آرزو دارم که بتوانم بگویم میلیون‌ها تن، می‌خواهند که این مصونیت به پایان برسد و دیگر از عبارتهایی مانند «تلفات بیش از حد» را نشنویم. بیش از حد از چی؟ اسرائیلی‌ها هم همین حس را دارند. آن‌ها در این باره مطالبی نوشته‌اند. در همین حال، عرب‌ها و مسلمانان جهان خشمشان بیشتر شده است و ما بهای آن را پرداخت خواهیم کرد.

قتل عام دهکده‌های عرب به دست ارتش جدید اسرائیل در سال ۱۹۴۸؛ زمانی که فالانژها لبنانی در کنار اسرائیلی‌ها حدود ۱۷۰۰ تن را در سال ۱۹۸۲ قتل عام کردند و نیروهای اسرائیلی تنها نگاه کردند؛ قتل عام عرب‌های لبنانی مستقر در پایگاه سازمان ملل در قانا؛ پس از آن می‌رسیم به کشتار غیرنظامیان در جنگ غزه در سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۰۹. پس از کشتار صبرا و شتیلا بررسی‌هایی انجام شد و پس از کشتار قانا نیز تحقیقاتی انجام شد و پس از جنگ غزه نیز همینطور اما آنطور که من از دوستان اسرائیلی‌ام شنیدم قاضی گلدستون تحت فشار زیادی قرار گرفت.

به عبارت دیگر ما قبلاً نیز شاهد چنین ماجراهایی بودیم. این ادعا که تنها «تروریست‌ها» مقصر کشتارهایی هستند که اسرائیل انجام می‌دهد و پس از آن این ادعای همیشگی که دوباره و دوباره و دوباره مطرح می‌شود مبنی بر اینکه اسرائیل بالاترین استانداردها را در میان ارتش‌های جهان دارد و هرگز به غیرنظامیان آسیب نمی‌زند، در اینجا لازم است که من بار دیگر ۱۷۰۰ فردی را که در جریان تهاجم اسرائیل به لبنان کشته شدند و بیشتر آن‌ها غیرنظامی بودند، یادآوری کنم. آیا ما تمام این‌ها را فراموش کرده‌ایم؟

مصونیت تنها واژه‌ای است که به ذهن می‌رسد. یک هزار فلسطینی کشته شده‌اند. ۱۰۰۰ تا. این آمار قطعاً دو برابر مجموع قربانیان سقوط هواپیمای MH۱۷ مالزی است و اگر شما تنها به کشته‌شدگان «بی‌گناه» اشاره کنید، پس از آن می‌بینید که زنان و کودکان و سالخورده‌گانی که در غزه قلع و قمع شده‌اند باز هم از مجموع قربانیان MH۱۷ بیشتر هستند و در این میان یک مساله بسیار عجیب است و آن واکنش و خشم متفاوت ما نسبت به این دو حادثه است.

در غزه ما خواستار برقراری آتش‌بس می‌شویم اما به آن‌ها اجازه نمی‌دهیم تا کشته‌شدگان را دفن کنند و یا حتی یک مسیر برای کمک‌های بشردوستانه برای مجروحان باز کنند. اما برای مسافران پرواز MH۱۷ که در اوکراین سقوط کرد، می‌خواهیم فوراً و مناسب جنازه‌ها را تحویل بگیریم و مراقب بستگان قربانیان هستیم. ما کسانی که جنازه مسافران پرواز مالزی را در شرق اوکراین رها کرده‌اند، نفرین می‌کنیم، اما کشته‌شدگان غزه باید زیر آسمانی که از آن آتش می‌بارد، باقی بمانند. دلیل آن این است که ما زیاد به فلسطینیان توجه نمی‌کنیم. من چندین سال است که به آن پی برده‌ام. آیا این طور نیست؟ ما حتی نسبت به مجرمیت اسرائیل نیز بی‌تفاوت هستیم. جرمی که آن‌ها مرتکب می‌شوند نیز بیشتر است چرا که شمار غیرنظامیانی که توسط ارتش اسرائیل کشته می‌شوند، بیشتر است؛ البته خدا رحم کرده است که آمار به گونه دیگری نیست. اگر ۱۰۰۰ اسرائیلی در مقابل تنها ۳۵ فلسطینی کشته می‌شدند، آن زمان واکنش ما چگونه بود؟ در آن زمان ما قطعاً آن را کشتار، برحمی، قساوت و جرم می‌خواندیم و می‌خواستیم که عاملان آن مجازات شوند.

بله قطعاً حماس باید مسوول اقداماتش باشد، اما چرا اینگونه است که امروزه تنها به دنبال مجرماتی هستیم که شاید یکی و شاید هم دو موشک به خطوط هوایی مالزی شلیک کرده‌اند؟ اگر شمار تلفات اسرائیلی‌ها هم اندازه فلسطینیان بود، باز هم تکرار می‌کنم که شکر خدا اینطور نیست، در آن صورت حتماً آمریکا همه نوع حمایت نظامی را به اسرائیل که از سوی «تروریست‌های تحت حمایت ایران» به خطر افتاده بود، ارایه می‌کرد.

حال سوالات بیشتری مطرح می‌شود. چه تعداد فلسطینی باید کشته شوند تا آتش‌بس برقرار شود؟ می‌توانیم کارت امتیاز بدهیم؟ نرخ مبادله کشته‌شدگان چقدر است؟ یا اینکه باید منتظر بمانیم تا ببینیم چه زمانی حالمان از خون به هم می‌خورد و می‌گوییم که جنگ حتی برای اسرائیل بس است.

ما قبلاً نیز با چنین شرایطی مواجه شده‌ایم؛ در زمان

پادشاه عربستان سعودی: سکوت جامعه بین‌المللی در برابر جنایات اسرائیل توجیه ناپذیر است



پادشاه عربستان سعودی پس از گذشت ۲۷ روز از حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به غزه، این اقدامات را محکوم کرد.

به گزارش شبکه تلویزیونی رویترز، ملک عبدالله پادشاه عربستان روز جمعه اقدامات رژیم صهیونیستی در غزه را جنایت جنگی خواند و گفت: «ما شاهد ریختن خون برادران فلسطینی خود در کشتارهای جمعی هستیم، ما شاهد جنایت جنگی علیه بشریت هستیم. هیچ کس از این کشتار در امان نیست.»

وی افزود: سکوت جامعه بین‌الملل توجیه ناپذیر است و نسلی را به دنیا می‌آورد که صلح را رد می‌کند و جز خشونت چیز دیگری را باور ندارد.

جامعه جهانی باید از جنگ جهانی اول عبرت بگیرد



رییس جمهوری روسیه همزمان با ادای احترام به سربازان روسی که در جریان جنگ جهانی اول کشته شدند، جاه‌طلبی‌های سیاسی که صلح در اروپا را تهدید می‌کند، محکوم کرد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه، در سخنرانی‌اش که اختلاطی از رخدادهای گذشته و حال بود، گفت: جنگ جهانی اول سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ باید به عنوان یک داستان عبرت‌انگیز تلقی شود.

وی همزمان با پرده برداری از بنای یادبودی برای این سربازان کشته شده، افزود: جنگ جهانی اول یادآوری از این مساله است که تجاوزات، خودخواهی‌ها و جاه‌طلبی‌های مفرط روسای کشورها و رهبران سیاسی که بر عقل سلیم حاکم شده، می‌تواند منجر به چه پیامدهای ناگواری شود. چنین جاه‌طلبی‌هایی به جای حفظ صلح در اروپا که بدون دردسرتن قاره جهان است، آن را به خطر می‌اندازد.

این اظهارات تلویزیونی پوتین همزمان با کشمکش شدید میان غرب و روسیه در خصوص سرنوشت اوکراین منتشر شده است؛ جایی که جدایی‌طلبان حامی روسیه در شرق اوکراین علیه حکومت کی‌یف مبارزه می‌کنند.

پوتین همچنین گفت: تاریخ ثابت می‌کند که بی‌تماولی نسبت به گوش دادن و احترام گذاشتن به منافع یکدیگر می‌تواند هزینه گزافی داشته باشد. روسیه همیشه به دنبال صلح است اما هرگونه حمله خارجی را نیز دفع می‌کند. خشونت همیشه خشونت به بار می‌آورد.

وی افزود: روسیه در زمان جنگ جهانی اول برای متقاعد کردن اروپا برای حل صلح‌آمیز درگیری میان صربستان و اتریش-مجارستان بدون خونریزی به شدت تلاش کرد. اما روسیه به حرف‌ها گوش نداد و چالش دفاع برادرانه از مردم اسلاوی واکنش داده و از خود و شهروندان در برابر تهدید خارجی دفاع می‌کند.

بی‌محلی مرکل به پوتین

صدراعظم آلمان از ۲۰ جولای تاکنون یعنی سه روز پس از آنکه هواپیمای مسافربری مالزیایی در شرق اوکراین سقوط کرد با رییس جمهوری روسیه گفتگو نکرده است.

این در حالی است که روزنامه وال استریت ژورنال گزارش داده بود آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان در آخرین گفتگویی که با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه داشت این پیام را به پوتین داده بود: اگر در زمینه کاهش شدت درگیری‌ها در اوکراین می‌توانی پیشرفتی را گزارش دهی با من تماس بگیر.

با این حال، پوتین تاکنون تماسی با مرکل نداشته است. این در حالی است که مدت‌ها این باور وجود داشت که مرکل می‌تواند به شکلی که دیگر رهبران جهان نمی‌توانند با پوتین تعامل داشته باشد.

مرکل وعده داده بود که آلمان و روسیه در زمینه نوسازی با یکدیگر شراکت خواهند داشت. این دو رهبر همچنین در جریان مسابقات جام جهانی برزیل نیز کنار هم نشستند.

از زمانی که درگیری میان روسیه و اوکراین در زمستان سال جاری آغاز شد تا بیستم جولای پوتین و مرکل دستکم ۳۰ تماس تلفنی شناخته شده داشتند.

برخی حتی گمانه‌زنی کردند که آلمان و روسیه در حال مذاکره بر سر یک توافق محرمانه «خاک در ازای گاز» که پس از حادثه سقوط هواپیمای مالزیایی فرو پاشید بوده‌اند.

براساس این گزارش در این توافق آلمان اقدام روسیه در الحاق شبه جزیره کریمه به خاک خود را به رسمیت شناخته و روسیه نیز در ازای آن به تامین گاز پایدار و ارزان اوکراین می‌پرداخت.

این توافق با میانجی‌گری مرکل میان پوتین و پترو پوروشنکو رییس جمهوری اوکراین قرار بود برقرار شود.

یک سخنگوی دولت آلمان گزارش‌ها در خصوص چنین توافقی را رد کرده و گفت: این گزارش اساسی نداشته و تایید نمی‌شود.

طی روزهای اخیر مرکل حتی از قبل نیز از پوتین دورتر شده است و به طرح اتحادیه اروپا به منظور تحمیل تحریم‌های بیشتر علیه روسیه پیوسته است.

سیسی: طرح مصر فرصت واقعی برای برقراری آرامش در نوار غزه است



وی همچنین تاکید کرد: اوضاع لیبی مورد بررسی قرار گرفت و باید خشونت متقابل میان شبه نظامیان مسلح متوقف شود. باید یک استراتژی بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم تدوین شود و این امر باید قبل از آن صورت بگیرد که تروریسم در منطقه منتشر شود.

در همین حال، نخست وزیر ایتالیا گفت که کشورش از طرح مصر برای برقراری آتش‌بس در غزه حمایت می‌کند و این طرح تنها امکان برای برقراری آرامش است.

وی گفت: من با بسیاری از همکاران اروپایی خود برای آزادی سرباز اسرائیلی همصدا می‌شوم.

وی همچنین در خصوص ناآرامی‌های لیبی گفت: مصر و ایتالیا مهمترین همسایگان لیبی هستند. درست است که ما از دریا از لیبی جدا هستیم اما امروز فاجعه غیرقانونی در این مورد رخ می‌دهد که هزاران تن را آواره کرده است و ما از بی‌ثباتی و بی‌امنی در لیبی تاثیر می‌پذیریم. مقابله با این اقدامات تروریستی تنها از طریق همکاری با مصر و رییس جمهوری آن ممکن است. ما از نقش مصر برای برقراری ثبات در منطقه قدردانی می‌کنیم.

عبدالفتاح سیسی روز شنبه در کنفرانس خبری با نخست وزیر ایتالیا اعلام کرد که طرح مصر فرصت واقعی برای پایان دادن به خونریزی‌ها و برقراری آرامش در نوار غزه است.

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، عبدالفتاح سیسی، رییس جمهوری مصر در کنفرانس خبری در کاخ ریاست جمهوری الاتحادیه با مائو رنسی، نخست وزیر ایتالیا اعلام کرد: طرح مصر فرصت واقعی برای پایان خونریزی‌های فلسطینی‌هاست. این زمان تعیین کننده بوده و باید از آن استفاده کرد و هرچه سریعتر به خونریزی‌ها در نوار غزه پایان داد و اوضاع را آرام کرد.

رییس جمهوری مصر گفت: از دست دادن زمان، اوضاع را پیچیده‌تر می‌سازد.

وی خاطرنشان کرد: ما خواهان راه حلی هستیم که به فلسطینی‌ها امیدی برای تشکیل کشور با پایتختی قدس شرقی را بدهد.

سیسی همچنین گفت: من زمانی که از مردم خواستم مرا برای مقابله با تروریسم مکلف کنند، منظورم این نبود که تروریسم یک شبه پایان خواهد یافت، این امر نیازمند تلاش بسیاری است و امنیت و ثبات کامل، یک شبه حاصل نمی‌شود.

وی تصریح کرد: به محض این که نظام لیبی سقوط کرد و زمانی که من وزیر دفاع بودم، قاهره تدابیری را در میان نیروهای مسلح مصری برای جلوگیری از قاچاق سلاح اتخاذ کرد و در حال حاضر این تدابیر تشدید شده است.

رییس جمهوری مصر عنوان داشت: قاهره آنچه که در لیبی رخ می‌دهد، با دقت و در چارچوب امکانات موجود دنبال می‌کند و ما دست به تلاش‌های بسیاری برای اجتناب از تکرار سناریوی لیبی می‌زنیم.

بخش نخست

چاقی با ما چه می‌کند؟



چاقی معضلی در همه کشورهای جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بوده و به‌شدت رو به افزایش است. علت چاقی نیز کاهش فعالیت‌های بدنی به دنبال ماشینی شدن سبک زندگی و افزایش میزان استفاده از غذاها و میان‌وعده‌های ناسالم و پرکالری است.

کاهش کیفیت زندگی

افزایش چاقی باعث گسترش شدید دیابت (بیماری شکر) و پیامدهای این بیماری بر چشم، گرده، قلب و ... می‌شود. همچنین بالا رفتن ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی که مستقیماً با چاقی در ارتباط هستند. گسترش چاقی و بیماری‌های پس از آن در کیفیت زندگی موثر است و با کاهش کیفیت زندگی افراد در سنین میان‌سالی و کهن‌سالی، طول عمر به شکل چشم‌گیری کاهش می‌یابد. بنابراین باید به کاهش میزان چاقی در جامعه کمک کنیم. در صورتی که از چاقی افراد جلوگیری نکنیم، در مهار دیابت و بیماری‌های قلبی و عروقی نیز موفق نخواهیم بود. اصلاح شیوه زندگی، موثرترین راه برای کاهش چاقی است. راه‌های دارویی و جراحی نیز تأثیر زیادی در لاغری دارد، ولی میزان موفقیت آن به اندازه سبک زندگی صحیح، نیست.

احتمال بروز سنگ صفرا

سرطان، دیابت، فشار خون بالا و ... از جمله بیماری‌هایی هستند که پیش از این، محققان چاقی را متهمین ردیف اول بروزشان معرفی کرده بودند. حالا تحقیقات دانشمندان آمریکایی نشان می‌دهد نوجوانانی که چاق هستند، در مقایسه با نوجوانانی که وزن نرمال دارند، بیشتر در معرض ابتلا به بیماری سنگ کیسه صفرا هستند. به گزارش بی‌بی‌سی، یک تیم تحقیقاتی ۵۱۰ هزار نفر که بین ۱۰ تا ۱۹ سال سن داشتند را تحت بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج این تحقیقات که در مجله تغذیه و امراض معده و روده کودکان منتشر شده، از میان این افراد ۷۶۶ نفر سنگ کیسه صفرا داشتند. این تحقیقات معلوم کرد کسانی که چاق بودند، دو برابر کسانی که وزن مناسب داشتند، به بیماری سنگ کیسه صفرا مبتلا شده بودند.

چاقی، درد را تشدید می‌کند

در یک تحقیق معلوم شد افرادی که وزن بیشتری دارند و سنگین‌تر هستند، درد و ناراحتی بیشتری را تجربه می‌کنند. در این مطالعه، کارشناسان بهداشت عمومی روی اطلاعات مربوط به وضعیت سلامتی بیش از یک میلیون نفر آزمایش و بررسی انجام دادند. این اطلاعات از طریق مصاحبه‌های تلفونی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ میلادی جمع‌آوری شده بودند. ۳۸ درصد از شرکت‌کننده‌گان مبتلا به اضافه‌وزن و ۲۵ درصد آن‌ها چاق بودند. به گزارش سایت انترنتی هلت دی نیوز، نتایج بررسی‌ها نشان داد میزان احساس درد در افرادی که دارای اضافه‌وزن هستند، نسبت به گروهی که وزن طبیعی دارند، ۲۰ درصد بیشتر است.

بخش نخست

سارتر و فلسفه فرانسوی

نویسنده: مارکالی‌لا

ترجمه کامییز حضرتی

در سه دهه بعد از جنگ دوم جهانی، تاریخ فلسفه فرانسه در یک کلام این است: سیاست دیکته کرد و فلسفه نوشت. بعد از آزادی فرانسه و با خط مشی‌یی که سارتر به سایرین داد، اریکه سروری از نویسنده‌گان مدافع دریفوس، به فیلسوف محول شد و چنین شد که بعد از آن، فیلسوف در مورد رخدادهای روز

آن وقایع و کعبه آمال چپ‌گراها شدن میشل فوکو، ناکام گذاشت. او اظهار کرد به‌شخصه چپ‌گراست، اما به تفسیر بیشتر مجال نداد، و آن را به حیرت اندیشمندان ارتدوکس چپ واگذار کرد، به قول نقاد مارکسیست، تری ایگلتون، آیا در بساط شالوده‌شکنی بیشتر از «آزادی‌خواهی بدبینانه» چیزی هست یا نیست.

در حالی که در دهه ۱۹۸۰، عنایت به دریدا کمرنگ می‌شد، در دنیای انگلیسی‌زبان توجه بسیار می‌شد و مجدد پرسش‌هایی در



مورد تعهد سیاسی وی طرح شد و قطعاً به دلایل عدیده، او را به معذورات انداخت. اندیشه دریدا، هم از حیث مسایل مطروحه و هم از حیث بیان، بی‌نهایت فرانسوی است و درک آن جدا از متن نزاع‌های دیرپای روشن‌فکران پارسی در باب میراث شالوده‌شکنی و هایدگرگرایی، بس فراوان سخت است.

ولی در ایالات متحده آمریکا، اندیشه‌های وی ابتدا در حیطه نقد ادبی رواج یافت و امروزه در فضای غریب پست‌مدرنیسم و آکادمیک و در حول‌وحوش مجموعه رشته‌های سست‌اساس و موقتی هم‌چون مطالعات فرهنگی، مطالعات فمینیستی و تیوری‌های پسااستعمارگرایی پی‌گیری شد. التقاطی بودن، بزرگ‌ترین صفت

اظهارنظر کند. این تغییر و تبدیل، سرحد مابین تحقیقات فلسفی محض و فلسفه سیاسی و تعهد سیاسی را کمرنگ کرد و تنها به‌تازگی تدریجاً واضح‌تر می‌گردد. همان‌طور که «ونسان دکومب» در کتاب مختصر و مفیدش، فلسفه جدید فرانسه نوشته است: «اصل اساسی و تمایزساز فرانسه، موضع‌گیری سیاسی این است که پیش‌وکم سیاسی شدن فلسفه به معنای از بین رفتن فلسفه سیاسی تمام شد؛ یعنی رشته‌یی از علم که تعمق منظم و عالمانه بر سیاست را وجه همت داشت، هنگامی که چیزها سیاست‌زده شد، هیچ چیز سیاسی واقعی نیست. واقعیت مورد توجه درباره فضای بعد جنگ در فرانسه این بود که این کشور فقط یک متفکر اساساً برجسته بار آورد و آن‌هم ریمون آرون بود.

سیاهه فلاسفه مهم فرانسوی که خود را از شتاب‌کاری‌های سیاسی بری کرده‌اند، کوتاه ولی شامل افراد قابل توجه است: اولی، فیلسوف یهودی اخلاق امانوئل لویناس است؛ دومی، نویسنده جمع‌گرای سی‌یوران است (البته این دو درگذشته‌اند)؛ و سومی، اندیشمند پروتستان، پل ریکور است. این هر سه به‌تازگی احیا شده‌اند. شخص دیگری که به ذهن متبادر می‌گردد، ژاک دریدا، پدر شالوده‌شکنی است. این مسأله به سبب موج استقبال ایدیولوژیک از دریدا و آثارش در آمریکا، شگفت می‌نماید. دریدا برخلاف بسیاری از هم‌دوره‌هایش در دانش‌سرای عالی فرانسه در دهه ۱۹۵۰، از حزب کمونیست تحت تسلط استالین‌گرایی فرانسوی دوری گزید، و بعدتر هم به وقایع می‌نگریست. در دهه بعد، دریدا تمام آمال آنانی که تلاش داشتند از گوشه‌وکنار شالوده‌شکنی برنامه سیاسی ساده‌سازی بیرون آورند، پس از تجربه



هنر و امر اجتماعی

(مروری بر نقد مارکسیستی از هنر)

امین قضایی

پلخائف و کشف امر اجتماعی

رابطه میان شرایط اجتماعی و اثر هنری، بهتر و بیش تر از هر دیدگاه دیگری، توسط نظریه مارکسیستی درباره هنر درک و تشریح شده است. متأسفانه بسیاری نظریه مارکسیستی در باب هنر را، با نظریه فایده‌گرا از هنر اشتباه می‌گیرند.

قرن نوزدهم، شاهد جدال دو نظریه درباره هنر بود: از یک‌سو نظریه هنر فایده‌گرا که می‌گفت هنر هدفی در خود ندارد و باید در خدمت اخلاقیات باشد و از سوی دیگر نظریه هنر برای هنر.

پلخائف در «هنر و زنده‌گی اجتماعی»، در پاسخ به این پرسش که هنر فایده‌گرا برحق است یا نظریه هنر برای هنر، نشان می‌دهد که فقط اگر جایگاه این نظریات در شرایط اجتماعی‌شان را بررسی کنیم، خواهیم دید که کدام یک در چه شرایطی برحق هستند. او می‌نویسد، پرسش اصلی برای نقد مارکسیستی این است که:

«مهم‌ترین شرایط اجتماعی که هنرمند و مردم با اشتیاق از دیدگاه هنر برای هنر (یا هنر فایده‌گرا)، به هنر علاقه‌مند می‌شوند و آن را درک می‌کنند، چیست؟»^۱

اگر دریابیم که چه شرایطی باعث می‌شود که در یک برهه تاریخی، مردم و هنرمندان به هنر برای هنر روی آورند و زمانی دیگر هنر را در جهت انعکاس مسایل اجتماعی و سیاسی به کار برند، تضاد انتزاعی میان «هنر برای هنر» و «هنر فایده‌گرا» از بین می‌رود.

سپس پلخائف مثال‌هایی می‌آورد که برخلاف تصور شایع، هنرمند در پاسخ به جامعه مجبور بوده است به نظریه هنر برای هنر روی آورد:

برای مثال پوشکین در ابتدا مسایل اجتماعی و آزادی مردم را در اشعار خود انعکاس می‌داد، اما در زمان نیکولاس اول که این شاعر را مجبور می‌کرد در خدمت هنر مفید (مفید برای تزار) کار کند، او به دفاع از نظریه هنر برای هنر پرداخت.

پلخائف در مثالی مبسوط‌تر، دفاع رومان‌نویس‌ها و پاراناسیست‌ها از نظریه «هنر برای هنر» را شرح می‌دهد که در واقع انعکاسی بود از نفرت از رفتار و سبک زنده‌گی جدید بورژوازی.

و همچنین در همان موقع، هنر فایده‌گرا، نه مترقی که محافظه کار و ارتجاعی بود و فایده هنر را در تحکیم روابط اجتماعی بورژوازی می‌دید. پس هنر فایده‌گرا الزاماً مترقی نیست.

بنابراین نقد مارکسیستی درباب هنر، هیچ ارتباطی به نظریه فایده‌گرا درباره هنر ندارد، بلکه بدون درک شرایط و جایگاه تاریخی تولید اثر هنری، درباره آن قضاوت نمی‌کند.

به بیان ساده‌تر، نقد مارکسیستی برخلاف تبلیغات بورژوازی، صدور این حکم انتزاعی نیست که هنر باید در خدمت اخلاقیات، طبقه کارگر، بازنمایی واقعیات و دیگر مسایل اجتماعی باشد. چنین نقد پادر هوایی، بدون ترسیم جایگاه اجتماعی اثر هنری، خاصه در بافت تضادهای طبقاتی، یک نقد مارکسیستی نیست.

نقد مارکسیستی درباب هنر، هیچ ارتباطی به نظریه فایده‌گرا درباره هنر ندارد، بلکه بدون درک شرایط و جایگاه تاریخی تولید اثر هنری، درباره آن قضاوت نمی‌کند.

تروتسکی نیز (و بی‌شک متأثر از پلخائف) دیدگاه مارکسیستی را ورای تضاد دو نظریه «هنر فایده‌گرا» و «هنر ناب» می‌بیند.

«نزاع هنر ناب و هنر جهت‌دار، نزاعی است بین لیبرال‌ها و عوام‌گرایان. این نزاع به ما تعلق ندارد. دیالکتیک ماتریالیستی ورای این است. از دیدگاه یک فرآیند تاریخی و عینی، هنر همواره یک خادم اجتماعی و به لحاظ تاریخی فایده‌گرا است.» (تروتسکی - ریشه‌های اجتماعی و کارکرد اجتماعی ادبیات).^۲

این‌که هنر ناب باشد یا فایده‌گرا، یک موضع اختیاری نیست. حتا فرمالیستی‌ترین آثار هنری نیز در موقعیت و زمینه اجتماعی قرار می‌گیرند و همان‌طور که پلخائف نشان می‌دهد، برخلاف ظاهرشان، واکنشی به شرایط سیاسی و تاریخی هستند.

پلخائف می‌نویسد که «عقیده به هنر برای هنر، در جایی بروز می‌کند که هنرمند در تغایر با محیط اجتماعی است.» (هنر و زنده‌گی اجتماعی)

شخصی‌ترین بیانات و احساسات هنرمندانه، در واقع یک واکنشی سلبی به جامعه هستند و تعارضات اجتماعی را نشان می‌دهند.

پیروان نظریه هنر برای هنر، دچار این توهم هستند که چیزی به نام هنر ناب و بیرون از جامعه می‌تواند وجود داشته باشد. وقتی این را بپذیریم، تضاد بین نظریه هنر ناب و هنر فایده‌گرا خارج از موضوع قرار می‌گیرد.

اما یک نقد هنری نمی‌تواند صرفاً به جایگاه و کارکرد اجتماعی اثر هنری بسنده کند. پلخائف به این پرسش پاسخ نمی‌دهد که چه ارتباطی میان ساختار و سبک اثر هنری و شرایط اجتماعی برقرار است یا به عبارت دیگر، شرایط اجتماعی چه‌گونه خود را در ساختار اثر هنری نشان می‌دهد.

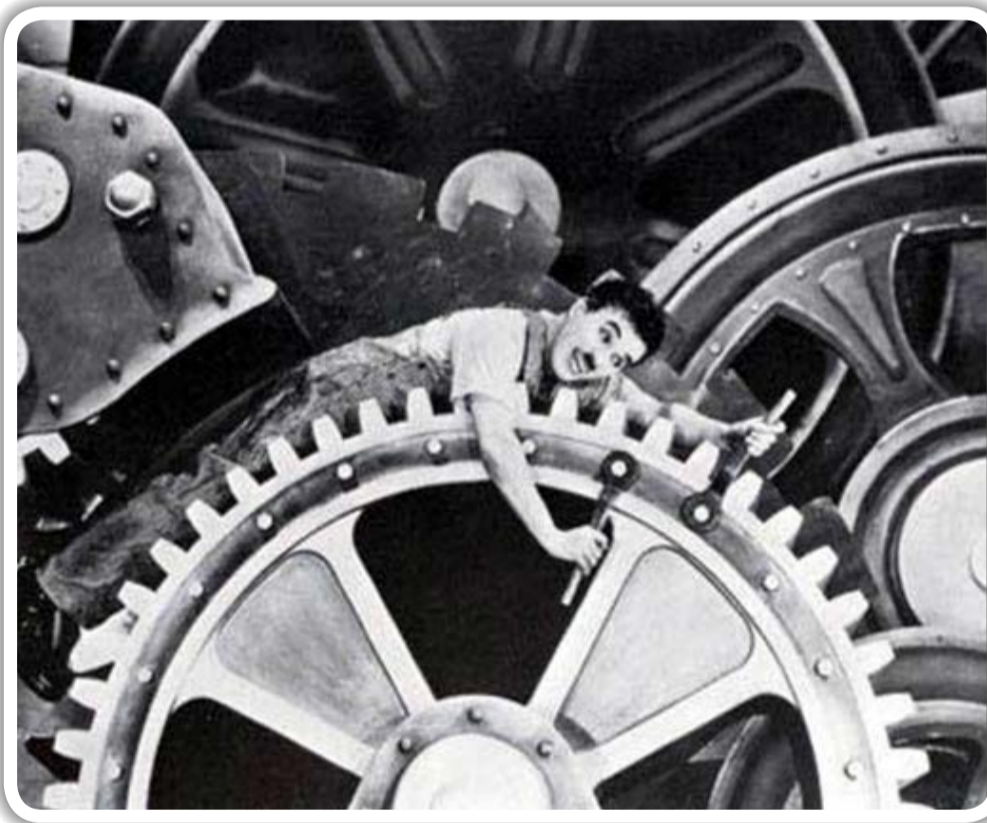
او در مقاله‌یی با عنوان «ماتریالیسم تاریخی و هنر»،^۳ این ایده داروینی را می‌پذیرد که ماهیت روان‌شناسی است که ذوق و زیبایی‌شناسی مردمان بدوی را شکل می‌دهد. اما این‌که چرا این ذوق و این برداشت خاص از زیبایی و نه برداشت‌های دیگر، مسلط است را باید در شرایط اجتماعی و روابط تولیدی جست. چنین برداشتی راه

باشد؟ بگذارید از میان تمامی رویکردها، اول آن را از دیدگاه محتوا بررسی کنیم.

با نظر به محتوا، به معنای عام کلمه، همه چیز واضح است. معیار همان معیار اخلاقیات نوظهور پرولتری است. هر چیزی که به پیشرفت و پیروزی پرولتاریا کمک کند، خوب است و هر چیزی که ضرر برساند، بد است.» (لوناچارسکی - تزهایی درباره مشکلات نقد مارکسیستی)^۴

اگر دریابیم که چه شرایطی باعث می‌شود که در یک برهه تاریخی، مردم و هنرمندان به هنر برای هنر روی آورند و زمانی دیگر هنر را در جهت انعکاس مسایل اجتماعی و سیاسی به کار برند، تضاد انتزاعی میان «هنر برای هنر» و «هنر فایده‌گرا» از بین می‌رود.

اگرچه معیار ارزش‌گذاری با رجوع به محتوای اثر هنری، مشخص است؛ یعنی این معیار، منافع انسان‌ها است. اما با رجوع به فرم و ساختار اثر هنری مسئله متفاوت می‌شود: «وظیفه منتقد مارکسیستی وقتی از ارزیابی محتوا به ارزیابی فرم می‌پردازد، شاید حتا پیچیده‌تر می‌شود... ما با چه معیاری، اصالت ناب فرم را مقایسه می‌کنیم؟»



در وهله اول فرم کلیشه‌یی مانع ورود ایده جدید در کار هنری می‌شود... در وهله دوم، فرم ممکن است ضعیف باشد... و نهایتاً سومین قاعده خاص برای اصالت فرم، اصالت نهادن بیش از حد بر فرم است. که در این‌جا تھی بودن محتوا، با ابداعات و تزیینات صوری پوشیده می‌شود.» (لوناچارسکی - تزهایی درباره مشکلات نقد مارکسیستی)^۶

منظور لوناچارسکی از اصالت این است که فرم در هر حال نباید رونوشت ساده‌یی از واقعیت باشد. بنابراین معیارهای لوناچارسکی، به ترتیب تکراری نبودن، قوی بودن و تزیینی یا تصنعی نبودن است.

اما این معیارها را اگر به‌ساده‌گی با بحث لوکاچ درباره اثر هنری مقایسه کنیم، به ضعف تحلیل لوناچارسکی پی می‌بریم.

اجازه دهید پیش از ادامه دادن، بحث خود را مرور کنیم. نقد مارکسیستی با کشف جایگاه واقعی اثر هنری در شرایط اجتماعی و تاریخی آغاز می‌کند. هرگونه تحلیلی چه فایده‌باور (اخلاقی، سیاسی و...) و چه تحلیل صوری از ساختار اثر هنری، بدون درک جایگاه اثر هنری در شرایط اجتماعی بی‌ارزش است.

نقد مارکسیستی فراتر از این تضاد ظاهری و انتزاعی است. اما در بخش اول دیدیم که پلخائف معیاری برای ارزش‌گذاری در اختیار ما قرار نداد و شاید به قول لوناچارسکی، تنها آثار ادبی را در آسمان اجتماعی رصد می‌کرد.

اما معیارهای خود لوناچارسکی صرفاً به کفایت فرم اشاره دارد. یعنی فرم فقط لباس مناسبی برای محتوا باشد (یعنی

را بر ترسیم نفوذ جامعه (به‌خصوص از طریق نمادها، چیزی که در نقدهای مارکسیسم روسی غایب است) در زیبایی‌شناسی و ساختار اثر هنری می‌بندد.

لوناچارسکی و ارزش‌گذاری اثر هنری

لوناچارسکی در بسط نقد مارکسیستی از هنر، بر نکات بیشتری تأکید می‌نهد. نخست این‌که رابطه میان اثر هنری و روابط تولیدی، بدون واسطه انجام نمی‌شود. این واسطه‌ها، روان‌شناسی و ساختار طبقاتی جامعه هستند.

«تنها تا حد بسیار بی‌اهمیتی، آثار هنری مستقیماً به اشکال تولیدی در یک جامعه مشخص، وابسته هستند. آثار هنری، به روابط تولیدی از طریق واسطه‌هایی مانند ساختار طبقاتی جامعه و روان‌شناسی طبقاتی که در نتیجه منافع طبقاتی است، بسته‌گی پیدا می‌کند.» (لوناچارسکی - تزهایی درباره مشکلات نقد مارکسیستی)^۴

هم‌چنین بررسی‌های پلخائف، معیارهایی برای ارزش‌گذاری به‌دست نمی‌دهد. پلخائف رابطه امر اجتماعی و اثر هنری را کشف و بررسی می‌کند، اما اولاً این رابطه را مستقیم می‌بیند و دوم این‌که برای نقد معیار لازم است.

«منتقد مارکسیستی صرفاً یک ستاره‌شناس ادبی نیست که قوانین ضروری حرکت اجسام ادبی را از بزرگ تا خیلی کوچک توضیح دهد. او چیزی بیش از این است. او یک جنگنده و سازنده است. بدین معنا، عامل ارزش‌گذاری را باید عامل بسیاری مهمی در نقد مارکسیستی معاصر قلم‌داد کرد.

ارزش‌گذاری یک اثر ادبی، بر چه معیاری باید استوار

تکراری، تصنعی و ضعیف نباشد). اگر نقد مارکسیستی کشف کرد که میان اثر هنری و امر اجتماعی چه رابطه دقیقی برقرار است، باید ارزش‌گذاری را هم در اختیار ما قرار دهد که رابطه صحیح اثر هنری با امر اجتماعی چه‌گونه خواهد بود.

در این‌جا باید به دو ایده اشاره کنیم، یکی متعلق به لوکاچ و دیگری متعلق به گورکی.

لوکاچ، گورکی و بازنمایی

هر دو متفکر نشان می‌دهند که معیار درست برای ارزش‌گذاری، در نوع بازنمایی است. یعنی اثر هنری وقتی ارزشمند است که واقعیات اجتماعی را بازنمایی کند.

اما یک اختلاف نظر وجود دارد: گورکی تصور می‌کند که در پروسه تاریخی، همواره یک تفکر ماتریالیستی متعلق به طبقات زحمت‌کش وجود داشته است که در مقابل تفکر و ایدئولوژی طبقات فرادست قرار می‌گیرد. برای مثال جنگ مسیحیت با ادبیات پاگان و دیگر نکات. برای گورکی نقد مارکسیستی باید دیدگاه ماتریالیستی طبقات فرودست را ارزش‌گذاری کند.

اما نزد لوکاچ، ارزش‌گذاری باید بر مبنای واقع‌نمایی و بازنمایی درست مسایل اجتماعی در اثر هنری باشد، حتا اگر این هنر و هنرمند به طبقات بالادست تعلق داشته باشد. مثال مشخص لوکاچ در این مورد بالزاک است.

بالزاک از سلطنت و دوره اشرافی دفاع می‌کند، اما در هنگام بازنمایی واقعیات در رمان‌های خود، صداقت قابل تحسینی از خود نشان می‌دهد و تضاد طبقاتی را آن‌طور که هست بازنمایی می‌کند.

برای بسط نقد مارکسیستی، کدام‌یک از مواضع را باید اتخاذ کنیم؟ بازنمایی دیدگاه ماتریالیستی طبقات فرودست یا بازنمایی صحیح تضادهای تاریخی و طبقاتی؟

نقد مارکسیستی، مطمئناً در بررسی و درک جایگاه واقعی اثر هنری در شرایط اجتماعی، موفق عمل کرده است. اما در معیار و ارزش‌گذاری، به نتیجه منسجم و قابل بسطی نرسید که به تعبیری هرچند نه دقیق، می‌توان گفت همراه بود با شکست و انحطاط این نظریه در ریلیسم سوسیالیستی دوره استالین.

نقد من به نظریه مارکسیستی لوکاچ یا گورکی، با این پرسش آغاز می‌شود که آیا رابطه واقعی اثر هنری و واقعیت اجتماعی صرفاً از نوع بازنمایی است؟ آیا اثر هنری، در جایگاه پراتیکی در ارتباط با جامعه قرار نمی‌گیرد؟

نظریه‌پردازانی که در بالا ذکر کردیم، همه‌گی این پیش‌فرض غلط (و متعلق به روش‌شناسی بورژوازی) را پذیرفته‌اند که کار اثر هنری، صرفاً بازنمایی واقعیات اجتماعی است.

اما من معتقدم که اثر هنری، نقشی واقعی در نظم اجتماعی ایفا می‌کند: موقعیتی مشخص را از آن خود کرده و به عنوان یک موقعیت و فعالیت مشخص، در نظم زنده‌گی نفوذ می‌کند. باید میان اثر هنری و واقعیت اجتماعی، رابطه بازنمایی را با رابطه پراتیک جایگزین کنیم.

این مقاله فرصت اندکی برای بسط نظریه مارکسیستی درباره هنر در اختیار دارد. عجلتاً باید به چند نتیجه از بررسی خویش قناعت کنیم:

۱. برخلاف تبلیغات بورژوازی، نقد مارکسیستی درباره هنر، یک هنر متعهد نیست که در پی فواید سیاسی و اقتصادی از اثر هنری باشد. نقد مارکسیستی از هنر چیزی فراتر از هنر فایده‌باور است.

۲. همان‌طور که لوناچارسکی می‌گوید: «نقد مارکسیستی از تمامی انواع ادبی با این واقعیت جدا می‌شود که این نقد نمی‌تواند ماهیتی جز، ماهیت جامعه‌شناختی داشته باشد.»

به بیان دیگر، نقد بدون درک جایگاه تاریخی و اجتماعی اثر هنری، بی‌محتوا و بی‌ارزش است.

۳. نقد مارکسیستی در تعیین معیار برای ارزش‌گذاری، از مفهوم بازنمایی تبعیت کرده و به تبع، از محدودیت‌های این دیدگاه بورژوازی در رنج است. یعنی رابطه بین اثر هنری و واقعیت را رابطه‌یی تأملی، توصیفی و روشن‌گری می‌بیند و نه پراتیکی.

پانویس‌ها:

۱. G. V. Plekhanov, Unaddressed Letters. Art and Social Life, Foreign Languages Publishing House, Moscow, ۱۹۵۷, p۴ -part ۱
۲. Leon Trotsky, The Social Roots and the Social Function of paragraph ۱ - (۱۹۲۳) Literature
۳. ۱۸۹۹ George V. Plekhanov Historical Materialism and the Arts
۴. A. Lunacharsky: On Literature and Art. VII
۵. همان. VIII
۶. همان. IX

چه کسانی نقشه بن بست انتخابات را کشیده

بودند؟

احمد عمران

انتخابات جنجالی کشور را بفهمند.

انتخابات افغانستان خلاف دیدگاه‌های تلویزیون رسالت مند «ژوندون» زمانی وارد فاز بحران شد که تقلب‌های انجام شده در آن با اسناد و شواهد انکارناپذیر در برابر دیده‌گان مردم و جهانیان قرار گرفت. سطح تقلب در انتخابات دور دوم به میزانی افزایش یافت که دیگر نمی‌شد به نتیجه انتخابات اعتماد کرد. آیا می‌شد که عدالت را زیر پا کرد و به تقلب در انتخابات آری گفت؟

بحث بر سر برنده شدن و نشدن تیم اصلاحات و همگرایی در نتیجه انتخابات نیست؛ بل بحث بر سر اصول دموکراتیک انتقال قدرت در کشور است. افغانستان تاریخی بسیار خونین دارد که در نتیجه انجام حرکت‌های غیردموکراتیک و انجام کودتاها رقم خورده است. افغانستان در طول تاریخ پردرد خود، همواره قربانی خودکامه‌گی و دیکتاتوری‌های قومی و قبیله‌یی بوده که زیان آن را تمام احاد جامعه محتمل شده‌اند. گذار از چنین وضعیتی می‌تواند منافع همه گروه‌ها و اقشار را تأمین کند.

در وضعیت دموکراتیک، هیچ کسی بازنده نیست. تلاش‌هایی که پس از اعلام نتایج نخستین از سوی اقشار مختلف جامعه در اعتراض به تقلب صورت گرفت، تنها محدود به تیم اصلاحات و همگرایی نبود. نهادها و سازمان‌های گوناگونی به این نتیجه واکنش نشان دادند و بر رعایت اصل شفافیت و عدالت در انتخابات پافشاری کردند. دلیل آن‌همه سروصدا و واکنش‌های اعتراضی هم این نبود که فرد و تیم مشخصی حتماً به کرسی قدرت تکیه بزنند؛ بل دلیل اصلی و محوری، اعتراض‌های گسترده و میلیونی مردم به تقلب و تأمین عدالت بود؛ عدالتی که می‌تواند آینده و زنده‌گی فرزندان این سرزمین را ضمانت کند؛ عدالتی که بر مبنای آن، دیگر کسی از راه زور و زر و تزویر و انجام خشونت‌های مرگبار، به قدرت نرسد و سرنوشت ملتی را به لجن نکشد.

پای تیم اصلاحات و همگرایی به عنوان بخشی

مواردی می‌داند که سبب تأثیرات منفی بالای عواید داخلی، سرمایه‌گذاری‌ها و اقتصاد در کشور گردیده است.

سختگوی وزارت مالیه با بیان این‌که این وزارت بیست درصد در برنامه شش ماهه خود عقب مانده می‌گوید: «بیشتر از ۲۳ درصد درآمد اقتصادی کشور کاهش یافته و تا ۱۰ درصد

نشده؛ بنابراین این کار شیوه مورد تأیید ما نیست. او تأکید کرد، طی ۹ روز گذشته در ۱۶ صد محل که تفتیش صورت گرفت، با وجود تکرار درخواست ما ماده ۱۲ و ۱۶ در نظر گرفته نشد؛ بنابراین ما پیشنهاد کردیم که تا زمانی که این دو ماده تطبیق نگردد، تفتیش برای ما قابل قبول نیست.

این عضو ستاد انتخاباتی دکتر عبدالله گفت، کارشیوه‌ای رای شده درغیاب ما آماده شده و چون ماده ۱۲ و ۱۶ در آن گنجانیده نشده؛ بنابراین مورد قبول ما نیست.

جنرال امان می‌گوید، ماده ۱۲ در مورد تیک‌مارک‌های مشابه بحث می‌کند، به این معنا که اگرشش صد برگه رای دهی یا کمتر از آن به نفع یک نامزد و توسط یک نفر تیک مارک شده؛ بنابراین این موارد باید توسط ناظران تخنیکی بررسی شود و اگر تیک‌مارک‌ها مشابه باشد باید آرا باطل شود.

او افزود، در ماده ۱۶ آمده که چک لیست رای نامزدان که در دور اول چقدر رای گرفته و در دور دوم چقدر رای دارند، بررسی شود و اگر یک نامزد در یک محل در دور اول ۱۰ رای داشته و حالادر همان محل ۶۰۰ رای دارد؛ پس باید این ۶۰۰ رای باطل گردد؛ اما متأسفانه این دو ماده از کارشیوه ابطال بیرون کشیده شده است.

اما معین مرستیال عضو ستاد انتخاباتی اشرف غنی احمدزی می‌گوید، برداشتن ماده ۱۲ و ۱۶ بنابر فشار تیم تحول و تداوم صورت نگرفته، بل براساس تصمیم سازمان ملل متحد و بنابر وضعیت روند انتخابات انجام شده است. به گفته او، کارشیوه پیشنهاد شده از سوی سازمان ملل متحد، با در نظر داشت قانون انتخابات افغانستان و معیارهای بین‌المللی و جهانی رای شده، بنابراین از نظر ما این کارشیوه قابل قبول است.

وی افزود، چون کارشیوه رای شده از سوی سازمان ملل

از روند ضد تقلب، زمانی وارد کارزارهای اعتراضی شد که پیش از آن حرکت‌های مردمی در مناطق مختلف کشور به اوج خود رسیده بودند. تیم اصلاحات و همگرایی از نخستین واکنش‌ها تا به حال روی اصولی تأکید می‌ورزد که می‌تواند آینده افغانستان دموکراتیک را تأمین کند؛ آینده‌یی که دیگر در آن کسی نخواهد با انجام کودتا، حاکمیت نامشروع بسازد و آن‌گاه پولیگون‌های مرگ تأسیس کند.

مگر ما تاریخ نزدیک افغانستان را پس از کودتای هفت ثور از یاد برده‌ایم که هم‌چنان بخواهیم به نظام‌های نامشروع و نامردمی گردن نهیم؟ اعتراض به تقلب، در حقیقت اعتراض به حاکمیت‌های نامشروع است و فکر نکنم که کسی پیدا شود و خود را حامی نظام نامشروع و غیردموکراتیک معرفی کند. متأسفانه همان‌هایی که حالا در میزگردهای شان می‌خواهند ماست را سیاه نشان دهند نیز خوب می‌فهمند که در موجودیت یک نظام خودکامه هرگز به خواسته‌های شان نخواهند رسید.

مگر کودتاچیان هفت ثور در سال‌های پایانی حکومت خود، اکت دموکراسی و نظام مردم‌سالاری نمی‌کردند؟ دلیل این امر چه بود؟! دلیل آن این نبود که کودتاچیان به خواص معجره‌آسای دموکراسی پی برده باشند؛ بل دلیل آن این بود که حیات و آینده سیاسی خود را در هیچ نظامی ضمانت‌شده نمی‌دیدند.

و اما نکته بنیادی دیگر این‌که: انتخابات وارد بن‌بستی تازه شده است. این بن‌بست دقیقاً در نتیجه عدم توجه به خواسته‌های اعتراض‌کننده‌گان به تقلب شکل گرفته است. بازرسی آرا که باید روز شنبه از سر گرفته می‌شد، برای بیست و چهار ساعت دیگر به تأخیر افتاده و مشخص نیست که پس از این، روند بازرسی بدون وقفه برای رسیدن به نتیجه شفاف و سالم انتخابات ادامه پیدا کند. دلیل تأخیر و توقف در روند بازرسی آرا نیز متأسفانه به گونه مدیریت‌شده از سوی افرادی خلق می‌شود که در تقلب‌های سازمان‌یافته در انتخابات نقش داشته‌اند، اما می‌خواهند آن را به گونه غیرعادلانه و غیرمنصفانه به دوش تیم اصلاحات و همگرایی بیندازند و چنین بنمایانند که تیم اصلاحات و همگرایی با ارایه پیشنهاد‌های تازه تلاش می‌کند که روند بازرسی آرا انجام نشود.

کاهش در تجارت وارداتی داشته‌ایم؛ کالاهایی که دارای تعرفه بلند بودند در این روزها کمتر وارد می‌گردد.»

آقای جیلانی می‌افزاید: گفت‌وگوهای ما با کشورهای کمک‌کننده جریان دارد و باور داریم که آنان نیز این مشکلات را درک می‌کنند و این کمک‌ها به ما خواهد رسید.

متحد با نظر داشت معیارهای جهانی رای شده، بنابراین تیم اصلاحات و همگرایی باید هیچ نوع بهانه را در رابطه به تغییر و یا تعیین ماده‌ها به میان نیاورد، زیرا صلاحیت رای کار شیوه به سازمان ملل و کمیسیون انتخابات داده شده است.

او تأکید کرد، چون مطابق اعلام سازمان ملل متحد این کار شیوه آخرین کارشیوه است؛ بنابراین اگر مورد تأیید هر دو ستاد واقع نگردد، نتایج انتخابات با بحران دیگری مواجه خواهد شد.

به باورمرستیال، اگر یکی از ستادها این کار شیوه را نپذیرند و چون راه دیگری وجود ندارد، عدم مشروعیت دولت افغانستان و رییس‌جمهور افغانستان به میان خواهد آمد.

وی افزود، عدم قبولی این کارشیوه از سوی یکی از ستادهای انتخاباتی سبب خواهد شد تا دولت نتواند نماینده قانونی را در کنفرانس‌هایی که در رابطه به قضایای افغانستان قرار است برگزار گردد، بفرستد و افغانستان دوباره به انزوای بین‌المللی خواهد رفت.

در همین حال، کمیسیون انتخابات می‌گوید، پروسه تفتیش آرا به خواست ملل متحد به تعویق افتاده و اگر حتا فردا تیم داکترعبدالله در روند تفتیش شرکت نکند، پروسه آغاز می‌گردد.

قرار بود از حدود ۲۳ هزار صندوق آرا، هر روز یک هزار صندوق بازرسی شود، اما حالا که دو هفته از آغاز بازرسی می‌گذرد، حدود هزار و پانصد صندوق بدون ابطال آرای تقلبی بازرسی شده است و در این مدت دست کم سه بار روند بازرسی متوقف شده است.

بیش از این داکترعبدالله و اشرف غنی احمدزی با میان‌جیگری جان کری بر سر بازرسی کل آرای دور دوم انتخابات توافق کرده بودند.

گزارش‌ها درباره پیشروی...

تماشایی آنچه را که نمی‌تواند از طریق انتخابات بدست آورد، کسب کند. طالبان باعث می‌شود تا افغانستان بهای سنگینی پرداخت کنند.

جنرال کمپبل گفت: البته نگرانی‌های بسیاری نیز در پی افزایش تعداد غیرنظامی‌هایی که مورد حمله قرار می‌گیرد و کشته می‌شوند، وجود دارد، اما تفاوت اساسی میان جنگ کنونی و زمانی که من در سال ۲۰۱۱ میلادی نیروها در افغانستان را فرماندهی می‌کردم، وجود دارد.

این مقام ارشد امریکا ادامه داد: طالبان در آن زمان می‌توانستند مناطق و مکان‌هایی را تصرف و حفظ کند اما در حال حاضر نیروهای امنیتی افغان معمولاً قادرند تا به سرعت مناطق تصرف‌شده را باز پس گیرند.

توقف در روند شمارش آرا به...

انتخابات ریاست جمهوری این کشور به خواست معاونت دفتر سازمان ملل در افغانستان تا ۲۴ ساعت متوقف شده است.

کوبیش گفت: به دلیل اینکه عبدالله عبدالله کاندیدی ریاست جمهوری افغانستان در فرصت تعطیلات عید فطر به خارج از کشور سفر کرده بود و از اصلاح چارچوب حقوقی روند شمارش آرا اطلاعی نداشت و خواستار فرصت برای آشنایی با آن شد، با تقاضای وی مبنی بر توقف ۲۴ ساعته شمارش آرا موافقت شد.

وی افزود که به دنبال متوقف شدن ۲۴ ساعته روند شمارش آرا، رایزنی‌ها بین ۲ کاندیدی ریاست جمهوری، مسوولان کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان و نماینده سازمان ملل جریان دارد و تلاش می‌شود تا کار شیوه ابطال آرا تا فردا نهایی شده و روند شمارش آرا از سر گرفته شود.

نماینده سازمان ملل افزود که آخرین چارچوب حقوقی برای بازرسی آرا نهایی شده است و هر ۲ کاندیدا در مورد چارچوب تکنیکی و سیاسی با هم توافق کرده‌اند.

روند شمارش آرا دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان قرار بود، صبح دیروز آغاز شود که به دلیل اعتراض نماینده‌های ستاد انتخاباتی عبدالله عبدالله و عدم حضور ناظرین آن‌ها در کمیسیون انتخابات این روند تا ۲۴ ساعت به تأخیر افتاد.

دیگر افراد زیر ۱۸ سال در...

نقشه راه در ۱۵ بند به دولت افغانستان ارائه شد، از بکارگیری افراد کم سن و سال جلوگیری به عمل آورده و از کودکان جنگ زده در این کشور حمایت می‌کند.

یان کوبیش نماینده سازمان ملل در افغانستان ضمن تأکید بر اجرایی شدن این توافق‌نامه از سوی دولت افغانستان تصریح کرد در صورت تطبیق این برنامه، یک تغییر واقعی در زندگی کودکان این کشور به بار خواهد آمد.

دخالت یکی از عالیرتبه‌ترین مقام

حکومت در سازمان دهی تقلب

تیم اصلاحات و همگرایی می‌گوید که اسناد تازه‌یی را به دست آورده‌اند که نشان می‌دهد یکی از بلندپایه‌ترین مقام‌های حکومتی در تقلب و مهندسی انتخابات دست دارد.

سختگوی تیم اصلاحات و همگرایی با نام بردن از این مقام که از جمله رهبران سیاسی و جهادی نیز می‌باشد، از خبرگزاری جمهور خواست فعلاً از افشای نام این فرد، خودداری نماید.

وی افزود: روز آینده (امروز) اسناد مداخله این شخص در تقلب گسترده و همچنین اعتراف این فرد به مداخلات و مشارکت رییس‌جمهور و برخی قدرت‌های خارجی در تقلب نشر خواهد شد.

داکتر مجیب الرحمن رحیمی در گفت‌وگو با جمهور نیوز افزود: این استاد! در جمع هواداران خود از آنان می‌خواهد که از هر وسیله و ابزاری برای پرکردن صندوق‌ها استفاده کنند. وی که از جمله عالیرتبه‌ترین مقام حکومت و حامی جدی اشرف غنی است، به هواداران خود می‌گوید که

رییس‌جمهور و دوستان بین‌المللی ما اطمینان داده اند که ما برنده‌ایم و از ما خواسته اند تا از هر وسیله‌یی برای پیروزی خود استفاده کنید!

وی به هواداران خود می‌گوید که شما هم باید از هر ابزاری که می‌توانید استفاده کنید!

سختگوی تیم اصلاحات و همگرایی افزود: ما این اسناد را نشر می‌کنیم تا دوستان بین‌المللی ما متوجه شوند، وارد بازی متقلبان نشوند و دامن خود را از اتهام پاک کنند.



محورهای مذاکرات نشست سران ناتو



نخست وزیر انگلیس شش هفته مانده به نشست ناتو در ولز، در نامه‌یی به سران کشورهای عضو و دبیرکل این سازمان، خواستار تغییر در اساسنامه ناتو و تجدید نظر در روابط آن با روسیه و طرح های این سازمان بعد از خروج نیروهایش از افغانستان شد. دیوید کامرون در نامه خود به سران ۲۸ کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و اندرس فوگ راسموس دبیر کل این سازمان، همچنین با اشاره به تهدیدات جدید امنیتی و بروز بحران های جدید منطقه‌یی، تشکیل یک نیروی واکنش سریع برای حضور نیروهای آن در حوزه خاورمیانه و نواحی بحران خیز و افزایش بودجه ناتو را مورد توجه قرار داده است.

نخست وزیر انگلیس در این نامه که متعاقب گزارش اخیر کمیسیون دفاعی پارلمان این کشور منتشر شده، با اشاره به اینکه این اولین نشست سازمان پیمان آتلانتیک شمالی در این کشور از زمان برگزاری آن در سال ۱۹۹۰ میلادی در لندن و درست در پایان جنگ سرد است، گفت: نشست آتی یک نقطه عطف به دلیل ترسیم دوره جدیدی برای ناتو و برای اروپا آزاد و در صلح شمرده می شود.

وی افزود: در سال ۲۰۱۴ میلادی نیز (همانند سال ۱۹۹۰ میلادی)، جهان بیش از هر زمان دیگری غیرقابل پیش بینی است و مواجهه با یک نقطه عطف دیگر در تاریخ ناتو می باشیم. دیوید کامرون در تشریح بحران ها و تحولات در پیش روی ناتو، گفت: در افغانستان ماموریت نیروهای جنگنده ناتو درحال پایان است و در شرق اروپا، روسیه با الحاق غیرقانونی کریمه و ایجاد بی ثباتی تهاجمی در اوکراین، توافق ها را زیرپا گذاشته و در جنوب (ناتو)، شپور بی ثباتی از شمال آفریقا تا منطقه ساحل و نیز در سوریه و عراق و سراسر خاورمیانه دمیده شده است.

کامرون در این نامه که پس از تصویب تحریم های جدید اروپا و آمریکا علیه روسیه منتشر می شود، پنج هدف را برای این نشست برمی شمرد که نخستین آن بحران اوکراین و نقش روسیه در تحولات این کشور است.

نخست وزیر انگلیس گفت: شش ماه از بحران اوکراین سپری می شود و ما بایستی بر روی اقدامات بلند مدت با هدف تقویت توانایی پاسخ سریع به هرگونه تهدید، اطمینان بخشی به متحدین مان که نگران از امنیت کشورشان هستند و ایجاد بازدارندگی در برابر هرگونه تجاوز احتمالی روسیه توافق کنیم.

نخست وزیر انگلیس اضافه کرد: ما همچنین بایستی درباره جدول جدید تمرین های ناتو

که منطبق با تهدیدات جدید امنیتی، بازسازی زیرساخت های ضروری و تجهیزات و لوازم است و نیز تقویت نیروی واکنش سریع ناتو توافق کنیم. این امر ما را قادر می سازد که پاسخ سریع تری به هر گونه تهدید صورت گرفته، علیه هر یک از اعضا بدهیم.

وی افزود: ما بایستی همچنین در روابط بلند مدت مان با روسیه تجدید نظر کنیم. در حالی که ناتو فقط بدنبال مشارکت با روسیه و نه تهدید علیه این کشور است، این واضح است که روسیه، ناتو را به عنوان یک رقیب نگاه می کند.

وی در تشریح هدف دوم نشست ناتو گفت: ماموریت نیروهای ناتو در افغانستان در حال پایان است و ما بایستی ملاحظه کنیم که چگونه می خواهیم در سال های در پیش رو از دولت این کشور حمایت کنیم. توقف پیشرفت های صورت گرفته، سبب خواهد شد که این کشور بار دیگر به محلی امن برای تروریست ها تبدیل شود.

کامرون گفت: ما بایستی در ماموریت های جدید ناتو، مساله آموزش و مشاوره برای نیروهای امنیتی افغانستان از سال آینده میلادی (بعد از خروج نیروهای ناتو در دسامبر سال ۲۰۱۴ میلادی) مورد توجه قرار دهیم، ضمن اینکه بایستی درباره کمک های مالی به نیروهای این کشور بحث کنیم.

نخست وزیر انگلیس هدف سوم این نشست را بحث درباره خطرات و چالش های جدید امنیتی از جمله تروریسم، حملات سایبری و اختلافات منطقه ای عنوان کرد و افزود: ناتو بایستی این توانایی را داشته باشد که بتواند به این تهدیدات امنیتی در حال تغییر، پاسخ دهد.

کامرون با بیان اینکه اقتصاد اعضای ناتو در حال احیا بوده و لازم است در بخش های دفاعی سرمایه گذاری بیشتری صورت گیرد، افزود: در حالی که ما برای نیروهای کشورمان سرمایه گذاری می کنیم، بایستی حمایت عملی از دیگر کشورهای عضو نیز که نیازمند تقویت نیروهای امنیتی شان هستند، صورت دهیم.

وی افزود: در نشست ناتو در ولز من تمایل دارم که بر روی ایجاد یک قابلیت جدید دفاعی برای ماموریت های ناتو در دیگر بخش های جهان برای مثال در گرجستان و یا خاورمیانه به توافق برسیم.

نخست وزیر انگلیس هدف دیگر نشست ولز را همکاری ناتو با دیگر اتحادیه ها و کشورهای جهان در زمینه حفظ و برقراری قوانین و نظم بین الملل، توسعه دموکراسی و آزادی و نیز ارزش های غربی توصیف کرد.

دیوید کامرون دیگر هدف نشست آتی ناتو را حمایت معنوی و مادی از نیروهای مسلح عضو این اتحادیه برشمرد و گفت که یکی از اولویت های وی، امضای منشور نیروهای مسلح پیمان آتلانتیک از سوی اعضا می باشد.

وی گفت: اجلاس سران در ولز بایستی ثابت کند که متحدینی قوی بوده که ضمن دفاع از صلح و ثبات جهانی و ایجاد محیط امن برای رشد اقتصاد، می توانند به ۹۰۰ میلیون نفر از شهروندانش این تضمین را بدهند که قادرند از آنان در برابر تهدیدات امنیتی پیچیده و غیرقابل پیش بینی حفاظت کنند.

کمیته دفاعی پارلمان انگلیس پیشتر در گزارشی اعلام کرده بود وقایع اخیر اوکراین نشان داد که ناتو آمادگی کافی را برای مقابله با حملات روسیه علیه یکی از اعضای این اتحادیه ندارد.

در گزارش این کمیته که اخیرا منتشر شده، آمده است: بحران اوکراین موید ناکارایی جدی در آمادگی ناتو در مواجهه با تهدیدات است و بر این اساس نیاز به اصلاحات بنیادین در این اتحادیه احساس می شود. این کمیته بر این اساس خواستار حضور مستمر نیروهای ناتو و تجهیزاتی نظامی آن در کشورهای آسیب پذیر حوزه بالتیک از جمله استونی، لتونی و لیتوانی شد.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اتحادی متشکل از ۲۸ کشور از آمریکای شمالی و اروپا است که با امضای پیمان آتلانتیک شمالی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ بین ۱۰ کشور اروپایی، کانادا و ایالات متحده آمریکا در واشنگتن، تاسیس شد و مقر آن شهر بروکسل، پایتخت بلژیک شد.

مقامات امریکایی: عملیات ارتش پاکستان در وزیرستان شمالی با موفقیت همراه بوده است



بنا به اعلام مقامات امریکایی، عملیات ارتش پاکستان علیه شبه نظامیان که شش هفته پیش در «فتا» آغاز شد، در از بین بردن گروه های شبه نظامی وزیرستان شمالی موفق شده است.

مقامات امریکایی در گفت و گو با روزنامه لس آنجلس تایمز اعلام کردند که با وجود این موفقیت ها همچنان برای تصمیم گرفتن درباره موفقیت این عملیات در رسیدن به اهدافش زود است.

به گفته این مقامات، مدرک موفقیت این عملیات فرصت ندادن به گروه هایی چون شبکه حقانی برای احیا و اجرای مجدد حملات علیه نیروهای تحت رهبری امریکا در افغانستان یا مکان های دیگر است.

در این گزارش آمده است، دولت پاکستان پیش از این گروه های شبه نظامی مانند حقانی را نادیده گرفته و یا به آن ها اجازه بازگشت به مرزهای این کشور را می داده است.

به گزارش روزنامه لس آنجلس تایمز، در یک سلسله دیدار بین مقامات امریکایی و مقامات ارشد پاکستانی در ماه ژوئیه مقامات دولت اوپاما، پاکستان را برای اطمینان یافتن از عدم فرار شبکه حقانی از عملیات فعلی تحت فشار قرار داده است.

یک مقام ارشد امریکایی به این روزنامه گفت: ما همچنان به مقامات پاکستان می گوئیم که باید تمامی گروه های تروریستی را تحت پیگرد قرار دهند و به انتخاب گروه ها نپردازند.

با این حال، مقامات پاکستانی به همتایان امریکایی خود اطمینان دادند که هیچ گروه شبه نظامی از گزند این عملیات در امان نخواهند بود.

اما مقامات پاکستانی همچنین اعلام کردند که به علت پوشش گسترده این عملیات در رسانه ها برخی از شورشیان منطقه را پیش از آغاز این حمله ترک کرده اند.

در ادامه این گزارش آمده است: با این حال مقامات امریکایی، عکس و یا هیچ مدرک تصویری مبنی بر مورد هدف قرار گرفتن مستقیم شبکه حقانی دریافت نکرده اند.

ارتش امریکا شبکه حقانی را به عنوان یکی از با تجربه ترین گروه های شبه نظامی در حال جنگ در افغانستان می داند. این گروه به رهبری سراج الدین حقانی شاخه ای از گروه طالبان است اما به نظر می رسد ارتباط نزدیک تری با رهبری مرکزی القاعده دارد.

پیش از این یکی از سخنگویان امنیت ملی افغانستان ادعا کرد، تشکیلات امنیتی پاکستان شورشیان حقانی را پیش از آغاز این حملات به مکان امنی منتقل کرده است.

در همین حال وزیر خارجه پاکستان از افغانستان خواست تا عملیاتی را علیه شبه نظامیانی که از مرزهای پاکستان به این کشور می گریزند انجام دهد.



ورزش

کاوانی تیم های انگلیسی را ناامید کرد



دیگر چه دلیلی دارد تیمم را ترک کنم و به تیم دیگری بروم؟ یکی از بازیکنانی که خبرهای زیادی درباره پیوستن او به پاری سن ژرمن به گوش می رسید آنخل دی ماریا، هافبک آرژانتینی رئال مادرید است. کاوانی نه تنها در پاری سن ژرمن می ماند که دوست دارد بازیکنان جدیدی هم به این تیم بیایند تا پاری سن ژرمن با قدرت بیشتری در فصل جدید ظاهر شود. او گفت: همواره تلاش می کنیم تا بازیکنان خوبی را جذب کنیم. دی ماریا بازیکنی با کیفیت و بسیار خوب است و دوست داریم که او را در تیم خود ببینیم. به دی ماریا خوش آمد می گویم. امیدوارم که او را با پیراهن پاری سن ژرمن ببینم. دی ماریا فصل بسیار خوبی را با رئال مادرید پشت سر گذاشت و سهم بسزایی در قهرمانی این تیم در لیگ قهرمانان اروپا داشت. با این حال احتمال جدایی او از کپکشانها بسیار زیاد است؛ چرا که با آمدن خامس رودریگس و تونی کروس به رئال سخت به نظر می رسد فرصت بازی به این بازیکن آرژانتینی برسد.

رونالدو از احتمال بازگشت به اولدترافورد سخن گفت

ستاره پرتغالی رئال مادرید بازگشت خود به اولدترافورد را بعید نمی داند. کریستیانو رونالدو در منچستر یونایتد خود را به عنوان بازیکنی توانا به فوتبال جهان معرفی کرد. او در این تیم انگلیسی به هر آنچه می خواست دست یافت و با قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا به عنوان بهترین بازیکن جهان هم انتخاب شد. رونالدو پس از درخشش با شیاطین سرخ این تیم را به مقصد سانتیاگو برنابئو ترک کرد تا پیراهن رئال مادرید را بر تن کند. او در این تیم اسپانیایی هم خوش درخشید و به عنوان بهترین بازیکن جهان هم انتخاب شد. رونالدو هر چند از منچستر یونایتد جدا شده و سالهاست پیراهن رئال مادرید را بر تن می کند اما هواداران شیاطین سرخ هنوز امیدوار هستند که روزی رونالدو به تیم محبوبشان برگردد تا بار دیگر به قدرت نخست فوتبال جزیره تبدیل شوند. رونالدو در گفت و گویی که با کانال تلویزیونی منچستر یونایتد داشت، بازگشت خود به این تیم را بعید ندانست که این می تواند خبر بسیار خوبی برای هواداران شیاطین سرخ باشد. او گفت: منچستر یونایتد یکی از بزرگترین تیم های فوتبال جهان است. این تیم را دوست دارم. همه می دانند که هر وقت از خوبی های رئال مادرید می گویم نام منچستر یونایتد را هم بر زبان می آورم و این نشان می دهد که چقدر این تیم را دوست دارم. رونالدو درباره احتمال بازگشتش به منچستر یونایتد گفت: من منچستر را بسیار دوست دارم. در حالی که ۱۸ سال بیشتر نداشتم به این تیم پیوستم و به هر آنچه می خواستم دست یافتم. مردم رفتار بسیار خوبی با من داشتند. من الان بازیکن رئال هستم اما کسی نمی داند که در آینده چه اتفاقی می افتد. رونالدو در سال ۲۰۰۹ منچستر یونایتد را ترک کرد تا با ۸۰ میلیون یورو پیراهن رئال مادرید را بر تن کند. او موفق شد با پیراهن منچستر یونایتد ۱۱۷ گل به ثمر رساند اما اوج درخشش او به رئال برمی گردد تا جایی که موفق شده تا الان ۲۲۳ گل به ثمر برساند. قرار است دو تیم منچستر یونایتد و رئال مادرید در دیداری دوستانه در شهر میشیگان آمریکا به مصاف هم بروند. به احتمال زیاد رونالدو به خاطر آسیب دیدگی به این بازی نخواهد رسید.

دل بوسکه:

تغییری در فهرست جدید نداریم



سرمربی تیم ملی فوتبال اسپانیا اطمینان دارد که می تواند زخم ناکامی جام جهانی را التیام بخشد. او به بازیکنان تیمش اطمینان دارد و می گوید هیچ تغییری در فهرست جدید نخواهد داد. تیم ملی فوتبال اسپانیا عملکردی بسیار ضعیفی در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل داشت و خیلی زود از دور رقابت ها حذف شد تا ادعای تلخی با برزیل داشته باشد و مدافع عنوان قهرمانی حتی نتواند از مرحله گروهی هم صعود کند. هر چند ویسته دل بوسکه سرمربی تیم ملی فوتبال اسپانیا بدترین عملکرد را در برزیل داشت، اما فدراسیون فوتبال اسپانیا او را از سمتش برکنار نکرده و به نظر می رسد که او به کارش در این تیم ادامه دهد. دل بوسکه به بازیکنان تیمش اطمینان دارد و معتقد است که می توانند بحران کنونی را پشت سر گذارند. این مربی با تجربه، گفت: زخم جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل عمیق و دردآور است و به سختی می توان آن را فراموش کرد با این حال باید تلاش خود را بکنیم تا هر چه سریعتر به روزهای خوبمان برگردیم. باید به آینده فکر کنیم و برای رسیدن به موفقیت های بیشتر از جان مایه گذاریم. آینده از آن کسانی است که بی وقفه تلاش می کنند و انگیزه و بلندپروازی دارند. دل بوسکه کارنامه درخشانی با تیم ملی فوتبال اسپانیا داشته است. او موفق شد با این تیم قهرمان جام جهانی و جام ملت های اروپا شود. دل بوسکه درباره تمدید قراردادش با لاروئا گفت: فدراسیون

فوتبال هیچگونه تردیدی درباره تمدید قرارداد من ندارد. در شش سالی که هدایت اسپانیا را برعهده داشته ام تنها یک ناکامی بزرگ داشتم و آن هم در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل بود. به خوبی هواداران را درک می کنم. طبیعی است وقتی که یک تیم شکست می خورد همه علیه سرمربی تیم شوند. الان همه من را مقصر می دانند و من این را به خوبی درک می کنم. برای موفقیت تیم ملی فوتبال اسپانیا و بازگشت این تیم به روزهای اوج نهایت تلاش خود را می کنم. دل بوسکه درباره این سوال که در صورت ماندن در تیم ملی اسپانیا چه تغییراتی در این تیم خواهد داد این گونه پاسخ داد: هیچ تغییری در فهرست ۲۳ نفره نخواهم داد. درست است که ما در برزیل ناکام بودیم اما بازیکنان نهایت تلاش خود را داشتند. این بازیکنان قهرمان جهان هستند و من به آنها اعتماد دارم. اطمینان دارم که می توانیم به روزهای اوج برگردیم. تیمی می تواند قهرمان شود که تلاش و انگیزه داشته باشد و بازیکنان این تیم بلند پرواز باشند.

Mandegar

امریکایی‌ها:

اوضاع افغانستان بدتر می‌شود

سال ۲۰۱۱ سربازانش را از عراق خارج کند و حق دارد تا در دسامبر ۲۰۱۴ سربازان خود را از افغانستان بیرون بیاورد. درگیری‌ها و جنگ در این دو کشور بیش از یک دهه به طول انجامید و باعث مرگ ۶۸۰۰ سرباز امریکایی شد.

در این نظرسنجی همچنین مشخص شد که ۵۰ درصد از شرکت کنندگان فکر می‌کنند اوضاع در افغانستان بدتر می‌شود. ۵۸ درصد هم انتظار دارند که اوضاع در عراق از افغانستان هم بدتر شود.

این نظرسنجی کمی پس از حمله داعش در عراق و وخامت اوضاع امنیتی در این کشور صورت گرفت.

واکنش شهروندان بالای ۵۰ سال امریکا نسبت به نتیجه دو جنگ امریکا در عراق و افغانستان به گونه‌ی دیگر است. به طوری که ۶۲ درصد از آن‌ها اعلام کردند، اوضاع در افغانستان در سال آتی میلادی بدتر می‌شود. در حالیکه ۴۰ درصد از جوانان امریکایی چنین عقیده‌ی داشتند. همچنین ۷۲ درصد از شهروندان بالای ۵۰ سال امریکا اعلام کردند که اوضاع در عراق در سال آینده بدتر می‌شود در حالیکه این تعداد در میان جوانان امریکایی ۴۷ درصد بود.

کنسولان امریکایی نیز که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند اعلام کردند که شکست و ناکامی جنگ افغانستان در آینده مورد قضاوت قرار می‌گیرد. ۸۸ درصد از ۵۰ ساله‌ها یا مسن‌ترها نیز معتقد بودند که یک دولت دموکراتیک با ثبات بعید است که ایجاد شود در حالیکه ۷۰ درصد از افراد ۱۸ تا ۴۹ سال به این مساله معتقد بودند.

براساس نتایج یک نظرسنجی سه چهارم امریکایی‌ها فکر می‌کنند تاریخ جنگ‌های عراق و افغانستان را به عنوان یک ناکامی مورد قضاوت قرار می‌دهد و همین تعداد هم معتقدند که خروج نیروهای امریکایی از این دو کشور درست بوده است.

براساس نظرسنجی مشترک خبرگزاری اسوشیتد پرس و GFK در ماه گذشته میلادی مشخص شد که ۷۸ درصد از شرکت کنندگان معتقدند هیچ خوشبینی یا خوشبینی زیادی نسبت به یک دولت دموکراتیک باثبات در افغانستان ندارند و ۸۰ درصد هم درباره عراق چنین نظری دارند.

همچنین سه چهارم شرکت کنندگان در این نظرسنجی اعلام کردند که جنگ‌های عراق و افغانستان به نظر یک شکست کامل یا بیشتر یک شکست در مقابل یک پیروزی است. ۷۰ درصد هم اعلام کردند، امریکا حق داشت در



وزارت داخله افغانستان:

دیگر افراد زیر ۱۸ سال در پولیس حضور ندارند



وزارت داخله افغانستان اعلام کرد: هیچ کودکی دیگر در میان نیروهای پولیس ملی این داخله حضور ندارد و استخدام این افراد به صفر رسیده است.

نجیب دانش معاون سخنگوی وزارت داخله روز گذشته در یک نشست خبری اعلام کرد: هیچ کودکی، که کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، در میان ۱۵۰ هزار عضو پولیس ملی این داخله وجود ندارد و استخدام این افراد به صفر رسیده است.

در همین حال، سازمان ملل متحد از تعهد افغانستان مبنی بر پایان دادن استخدام کودکان و بکارگیری آنان در نیروهای نظامی استقبال کرد و آن را گامی در بهبود وضعیت اجتماعی و امنیتی افراد کم سن و سال در این کشور عنوان کرد.

سازمان ملل و دولت افغانستان در سال ۲۰۱۱

د ملی اردو خواکونه له دندې پرته نشي کولای پوځي یونیفورم واغوندي



د ملي دفاع وزارت خپلو تولو سرتېرو او افسرانو ته دستور ورکړی، چې له دندې پرته دې پوځي یونیفورم نه په تن کوي.

د دې وزارت مرستیال ویاند جنرال دولت وزیري وايي، د هرات او کابل په ګډون په ټول هېواد کې د ملي اردو خواکونو ته ویل شوي، چې په بازار، هوټل، کلیو او نورو هغو سیمو کې چې دنده یې نه وي، له پوځي یونیفورم سره ونه ګرځي. هغه وايي، دا کار په ملي اردو کې د دسپلین او اردو رغونې لپاره شوی دی، چې له یوې خوا به ورسره په نظامي برخه کې دسپلین پیاوړی شي او له بلې خوا به د ملي اردو د منسوبینو امنیت خوندي شوی وي. له دې وړاندې داسې رپوټونه خپاره شوي ول، چې ګویا په هرات کې د خراب امنیتی وضعیت له امله امنیتی خواکونو ته په ښار کې د پوځي یونیفورم د نه اغوستلو لارښوونه شوې ده.

عبدالروف احمدی ماندگار ورځپاڼې ته په مرکه کې رد کړه، چې ګویا پولیسو ته په ښار کې د پوځي یونیفورم د نه اغوستلو ویل شوي دي.

هغه وايي، ټول پولیس مکلف دي چې خپل پوځي یونیفورم واغوندي، ځکه په هرات کې هېڅ ډول امنیتی ګواښونه شتون نه لري او وضعیت د امنیتی خواکونو له لوري کنټرول شوی دی.

ده هغه راپورونه هم رد کړل، چې ګویا په هرات کې د امنیتی وضعیت د خرابېدو له امله کابو اتیا تنه مخور وژل شوي او زیاته یې کړه، چې له بده مرغه شپاړس تنه وژل شوي، خو د امنیتی خواکونو له لوري یې د وژنې په تړاو شپېته تنه نیول شوي دي.

د احمدی په وینا، د هرات پولیسو د وسله والو غلو او وژنکیو یو ستر بانډ هم نیولی، چې په هرات کې به یې وژنې کولې او نا امنی به یې جوړوله: ((موږ همدا نن یو تن د یوه صراف د وژنې په تور بالفعل ونیوه. دا وروستی ترهګر و، چې موږ نیولی دی. هغه یو صراف وواژه او غوښتل یې پیسې یې وتښتوي. حسن نومېږي.))

د هرات د پولیسو مشر ډاډ ورکوي، چې په هرات کې امنیتی وضعیت خراب نه دی، لکه یوشمېر خلک یې چې وايي، بلکې امنیتی خواکونه د دې وړتیا لري، چې د هرات امنیت ونیسي او نیولی یې هم دی.

له دې وړاندې د هرات د ولایتي شورا او مدني ټولنو هم په دې ولایت کې د نا امنی له ډېرېدو اندېښنه ښکاره کړې وه او ویلي یې ویل، چې په دې وروستیو کې د هرات امنیتی وضعیت خورا خراب شوی دی. د ولایتي شورا چارواکیو ویلي ول، چې په تېرو شپږو میاشتو کې د نا امنی په پېښو کې له اتیاوو ډېر سوداګر او مخور ترور شوي دي. خو د هرات امنیه قوماندانی دا ادعا په کلکه ردوي.

د دې ترڅنګ په هرات او کابل کې ځینې نور تدابیر هم نیول شوي، چې د لویو موټرو پر ځای باید د ملي اردو خواکونه په وړو موټرو کې تګ راتګ وکړي، په کلیو، ودونو، هوټلونو، تفریحی پارکونو او نورو سیمو کې له پوځي یونیفورم سره ونه ګرځي.

له دې وړاندې په وار وار د ملي اردو د موټرو کاروانونه تر بریدونو لاندې راغلي ول، چې اوس یې د ملي دفاع وزارت نویو تدابیرو نیولو ته اړ ایستې ده. د ملي دفاع وزارت ویاند وايي، له دې وروسته به هېڅ د ملي اردو افسر او سرتېری ونه لیدل شي، چې له دندې پرته په پوځي یونیفورم کې ګرځي.

نوموړي د دې پوښتنې په ځواب، چې دا کار په هرات کې ولایت کې د دې اندېښنې نه راپورته کوي چې د هغه ولایت امنیتی وضعیت اندېښمنونکی دی، وویل: که څه هم چې دا دستور په هرات کې تازه ورکړل شوی، خو یوازې په هرات پورې محدود نه دی بلکې په کابل او ټول هېواد کې باید پلي شي. هغه د هرات امنیتی وضعیت د ډاډ وړ وباله.

په همدې حال کې د هرات د امنیتی قوماندانی ویاند

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی

سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار

Mandegar Daily newspaper

نارسیده به منزل یا دفاتر

سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵